

## ارزیابی و تحلیل تاریخی اقدامات اجتماعی و اقتصادی کریم‌خان زند در شیراز

سیداحمد عقیلی\*، علی‌اکبر جعفری، کریم نجفی بزرگر

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۱۳۹۵/۰۲/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۲/۱۵)

### Historical Evaluation and Analysis of Social and Economic Measures of Karim Khan Zand in Shiraz

Seyed Ahmad Aghili, Aliakbar Jafari, Karim Najafi Barzegar

Assistant Professor at Department of History, Sistan and Balouchestan University;  
Associate Professor at Department of History, University of Esfahan;  
Associate Professor at Department of History, Payam-e Noor University

Received: (2016. 05. 10)

Accepted: (2018. 03. 06)

#### Abstract

Among the important issues of Zandieh's history is the review and analysis of Karim Khan's activities in various aspects of government, especially in terms of his social and economic measures. Most of Zandieh historical sources introduced Karim Khan's establishment in Shiraz as a period of social peace and economic security. The extent to which this attitude of resources can be verified is the main purpose of this study.

The present paper, by descriptive-analytical method, is based on historical primary sources, which leads to the research approach that the social peace and economic security of the Karim Khan's period, which historical sources recall, are not in line with the historical realities of that period, and, taking into account some components, this is said to be the source of doubt. Karim Khan's actions only occurred in the capital, and this view could not be accepted about other areas under the influence of Karim Khan. Even his performance in the city of Shiraz according to the factors mentioned in the paper, should be regarded as relative and temporary in order to be more in line with historical reality.

**Keywords:** Shiraz, Karim Khan, social security, economic security.

#### چکیده

از مباحث مهم تاریخ زندیه بررسی و تحلیل اقدامات کریم‌خان در ابعاد مختلف حکومتی به ویژه در بُعد اقدامات اجتماعی و اقتصادی وی می‌باشد. اکثر منابع تاریخی زندیه دوره استقرار کریم‌خان در شیراز را دوران آرامش اجتماعی و امنیت اقتصادی معرفی کرده‌اند. اینکه تا چه میزان این نگرش منابع قابل تأیید است هدف اصلی از انجام این پژوهش است.

مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع دست اول تاریخی تلاش دارد به این رهیافت پژوهشی منجر شود که امنیت اجتماعی و آرامش اقتصادی دوره کریم‌خان زند که منابع تاریخی از آن یاد نموده‌اند، با واقعیت‌های تاریخی آن دوره چندان تطابقی ندارد و با در نظر گرفتن برخی مؤلفه‌ها، این گفته منابع مورد تردید واقع می‌گردد. اقدامات و عملکرد کریم‌خان فقط در پایتختش بروز و نمود داشته و چنین دیدگاهی را درباره سایر مناطق تحت نفوذ کریم‌خان نمی‌توان پذیرفت. حتی عملکرد وی در شهر شیراز نیز بنا به عوامل و مؤلفه‌هایی که در مقاله مطرح شده است می‌بایست به صورت نسبی و موقتی در نظر گرفت تا بیشتر با واقعیت تاریخی منطبق گردد.

**کلیدواژه‌ها:** شیراز، کریم‌خان، امنیت اجتماعی، آرامش اقتصادی.

\*Corresponding Author: seydahmad.aghili@yahoo.com  
a.jafari2348@yahoo.com  
karimnajafi32@yahoo.com

\*نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر، آنچه قابل توجه است نوعی شتابزدگی در تحلیل و بررسی عملکرد اجتماعی و اقتصادی کریم‌خان وجود دارد. زندیه اگرچه از طوایف بی‌نام و نشان در تاریخ وقایع ایران تا زمان بعد از سقوط صفویه به شمار می‌آید و تنها مورخینی همچون گلستانه و موسوی‌نامی اصفهانی تلاش کرده‌اند تا هرچند مختصر و محدود برای آنها جایگاهی تدارک ببینند اما نکته مهم آنکه اتکاء منابع دوره قاجار و مآخذ پژوهشی اخیر درباره اقدامات کریم‌خان، عمدتاً بازنویسی از همان دو منبع گلستانه (مجمع‌التواریخ) و موسوی‌نامی (تاریخ گیتی‌گشا) می‌باشد. سیاحان خارجی برخلاف منابع داخلی با دیدگاه منصفانه‌تری به اوضاع دوره زندیه و به خصوص اقدامات کریم‌خان زند پرداخته‌اند. در بین این منابع می‌بایست به گزارش کارملیت‌ها در دوره افشار و زند توجه نمود که حاوی نکات مهم و قابل تأملی درباره اوضاع شیراز و دیگر شهرهای ایران در این دوره‌اند. این کتاب در واقع بخشی از گزارش کارملیت‌ها در دوره صفویه است که فقط دوره اخیر آن (یعنی دوره افشار و زند) را خانم ارباب ترجمه کرده و در این مقاله از آن استفاده شده است. در تحقیقات اخیر تنها اقدام شایسته توجه در زمینه تحقیقات دوره زندیه؛ مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه در دو مجلد است که در سال ۱۳۸۹ش بنیاد فارس‌شناسی آن را چاپ کرده و از چندین مقاله قابل تأمل آن مجموعه در مقاله حاضر استفاده شده است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که به ارزیابی و تحلیل این مطالب و نوشته‌ها پرداخته شود تا بتوان به دیدگاهی منطبق با واقعیات تاریخی درباره موضوع پژوهش دست یافت.

عمر سیاسی کریم‌خان از سال ۱۱۶۲ق/ ۱۷۵۰م شروع و تا زمان مرگ او در ۱۱۹۳ق/ ۱۷۸۱م ادامه یافت. در این دوره سی ساله، چهار جهت عمده را در زندگی و فعالیت‌های نظامی و سیاسی او می‌توان دید: ۱. دوره کوتاه همراهی او با بختیاری‌ها و قرار گرفتن در اتحاد سه‌گانه اصفهان. ۲. دوره ورود کریم‌خان به عرصه مدعیان حکومت در ایران تا غلبه بر مدعیان اصلی. ۳. دوره سرکوب آخرین مقاومت‌ها در مقابل خود. ۴. دوره استقرار دایمی در شیراز تا پایان عمر. موضوع اصلی مقاله حاضر بررسی دوره چهارم حیات سیاسی کریم‌خان (۱۱۷۹-۱۱۹۳ق) است. اهمیت موضوع در آن است که اقدامات کریم‌خان زند در دوره چهارم حیات سیاسی وی که در واقع مهم‌ترین دوره از حیات سیاسی این سلطان زندیه محسوب می‌شود، در مطالعات به دیده تحلیل، توجه نشده است و ضرورت دقت نظر درباره این اقدامات، مسئله اصلی پژوهش حاضر است.

بر این اساس سؤالات پژوهشی مطرح آن است که اقدامات و عملکرد کریم‌خان در این دوره چهارده ساله آخر (۱۱۷۹-۱۱۹۳ق) حکومتش را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ دیگر آنکه مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی مهم در ارزیابی و رهیافت به واقعیات تاریخی این دوره کدامند؟ فرض اصلی پژوهش آن است که اقدامات و عملکرد کریم‌خان - هرچند مثبت - فقط در پایتختش بروز و نمود داشته و چنین دیدگاهی را درباره سایر مناطق تحت نفوذ کریم‌خان نمی‌توان پذیرفت. حتی عملکرد وی را، بنا به عوامل و مؤلفه‌هایی که در مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده، می‌بایست به صورت نسبی و موقتی در نظر گرفت تا بیشتر با واقعیت تاریخی منطبق گردد.

## ۲. شاخصه‌های سیاسی حاکمیت کریم‌خان زند

بی‌گمان حکومت کریم‌خان موجب شده تا او را «یک فرمانروای خوب ایرانی» بنامند به گونه‌ای که حتی دوره حکومتی او را دوران کوتاه مدت آرامش معرفی نمایند که «حکومت عادلانه برای بیشتر سرزمین ایران به ارمنان آورد» (مورگان، ۱۳۷۳: ۲۱۲) اما توجه به ویژگی‌ها و مختصات این دوره واقعیت‌های جدیدی را برای ما روشن می‌نماید که قابل توجه است. بخشی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- حفظ ظاهری مقام پادشاهی در خاندان صفویّه از طریق نگه‌داشتن اسماعیل سوم به‌عنوان شاه و تأکید ظاهری بر این مقام از طریق ارجاع برخی مسائل به پادشاه، مانند ارجاع صوری نمایندگان تجاری انگلیس به شاه در آباد (امین‌فر، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۱۸) و حفظ عنوان وکالت برای خود و نیز قید عنوان «عرضه‌داشت کمترین بندگان» در امضای نوشته‌هایش (فسایی، بی‌تا: ۲۱۹، ۲۲۰).

- ناآرامی‌های منطقه‌ای و شورش‌هایی که از ناحیه برخی گروه‌های قومی و قبیله‌ای و یا افراد فرصت‌طلب ایجاد می‌شد با اعزام نیرو و سپاهیان سرکوب کرد بدون آنکه خود قصد خروج از شیراز را نماید.

- دامنه ناآرامی‌ها به خلیج فارس رسید و این مسئله موجب به تضعیف موقعیت شرکت‌های تجاری اروپایی در خلیج فارس شد (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۶-۵۷).

- انتخاب کارگزاران و انتصاب حاکمین و فرماندهانی که با وجود اشتباهات، تمرد و عصیان‌ها، مورد عفو قرار می‌گرفتند.

- قصور در انجام اقدامات لازم و کافی برای روشن کردن مسئله جانشینی که موجب شد تا دستاوردهای محدود اما استوار و ارزشمند این دوره آخر با هرج و

مرج و آشوب زمان جانشینانش از بین رود.

- استقرار مجدد تشیع دوازده امامی پس از شکست تجربه عجیب نادر. کریم‌خان این کار را بدون آنکه مدّعی شود که از اخلاف امامان شیعه است و بدون آنکه با تشکیلات مربوط به حوزه دین پیوندی داشته باشد، بسیار ساده و حداقل با نامگذاری دوازده محله شیراز به نام دوازده امام، به نمایش گذاشت (امداد، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۸-۱۹).

توجه به شاخصه‌های سیاسی این دوره و تأمل در برخی وقایع و حوادث اتفاق افتاده نشان می‌دهد که این دوره نیز با گرفتاری‌های خاصی همراه بود. لیکن جهت‌گیری کلی کریم‌خان، پرهیز از جنگ و لشکرکشی به‌ویژه به فرماندهی خود با تمامی اسباب و شرایطی که لازم داشت بود. در این دوره، با وجود آنکه کریم‌خان به‌راستی نیازی به وجود شاه نداشت، اما مقام شاه صفوی را حفظ کرد و هیچ‌گاه رفتاری مانند آنچه نادر در مورد تهماسب دوم انجام داد را برای شاه اسماعیل سوم در نظر نداشت. به تعبیر سیاح اروپایی، کریم‌خان با این استدلال که او هنوز تمام ایران را برای شاه به تصرف خود در نیاورده، این مقام را حفظ کرد (نیبور، ۱۳۶۶: ۲۰۶) اما دلایل محکم‌تری همچون عدم اعتبار کافی برای قانع ساختن افکار عمومی که برای شاه اعتباری شاهانه می‌خواستند و عدم قدرت کافی برای سرکوبی دیگر مدعیان نیز مطرح بود (رجبی، ۱۳۵۲: ۲۳۹).

گرفتاری‌های کریم‌خان با اعراب مسقط و نیز میرمهنا در این دوره اساسی و مهم بود. درگیری با اعراب مسقط گرچه زمان زیادی نبرد و غائله با پذیرش شرایط شیخ عبدالله از سوی کریم‌خان پایان یافت اما در این مسئله نیز بار دیگر شاهد آن هستیم که سیاست بیش از حد سازش و اغماض کریم‌خان در مورد برخی

از نزدیکان خود، از جمله زکی خان در این مورد خاص، موجب این تصمیم کریم خان و سازش با شیخ شورش عرب شد. با این اقدام، اعراب مسقط با آزادی بیشتری به غارت کشتی‌های تجاری می‌پرداختند که نتیجه آن، کاهش امنیت تجاری سواحل شمالی خلیج فارس و از رونق افتادن آنها بود. میرمهنا که پرونده سوابق او قبل از انتصابش به حکومت بندر ریگ نشان می‌داد به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیست، علاوه بر اینکه بیش از پنج سال در سواحل خلیج فارس یکه‌تازی و شرارت کرد، موجب شد تا امنیت از این قسمت از قلمرو کریم خان رخت بر بندد (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۵۱) و موجب تخلیه خارک، به‌عنوان آخرین پایگاه تجاری هلندی‌ها نیز شد و از آن پس دوره حضور انگیزی‌ها در منطقه فراهم گشت (مرادی خلیج، ۱۳۸۹: ۲/ ۶۳۰). البته ناگفته نماند که شرکت تجارتي هلند که به دلایلی چون مشکلات داخلی خود و عملکردهای مدیران آن در ایران (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹-۴۱، ۵۶، ۱۷۱، ۱۸۶)، مشکلات داخلی ایران به‌ویژه از سقوط صفویه به بعد (فلور، ۱۳۷۱: ۱۶۲)، ناتوانی آنها در رقابت با انگلیس و نفوذشان در خارک رو به ضعف نهاده بود، بهانه خروج خود را اقدامات میرمهنا در جزیره خارک قرار داده، رفتن خود را در پی اقدام میرمهنا در اشغال خارک و سختگیری بر هلندیان اعلام نمودند (براقی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۵۹-۱۶۰)، امری که در هر حال حکایت از گرفتاری‌های داخلی ایران می‌نماید. مسئله میرمهنا علاوه بر ایجاد این مشکل، موجبات تحریک ایران در حمله به بصره را نیز فراهم کرد. اقدام حاکم بصره در اعدام میرمهنا که با اعتراض ایران همراه بود، مقدمه‌ای شد تا به استناد آن، سپاه ایران به بصره بتازد. این شورش همچنین موجب شد تا دیگرانی از اعراب همچون شیخ حجر در بندر کنگان راه عصیان پیماید و شورش به راه اندازند (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۷۸). به

این ترتیب حمله و فتح بصره به عنوان تنها فتح خارجی کریم خان نتیجه‌ای جز ضرر و زیان برای خان زند در بر نداشت (روستا، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۰۵).

بی‌شک مرگ کریم خان در صفر ۱۱۹۳ق/ ۱۷۷۹م و بی‌توجهی او در تعیین قطعی و منطقی جانشینی شایسته برای خود، نشان داد که این دولت برای آرامش و رفاه فقط به امروز خود می‌اندیشید تا فردایش. هر دلیلی که برای این اقدام انجام نداده کریم خان وجود داشته باشد، در نهایت به غفلت بزرگ و کیل مردم و نماینده توده‌های محروم از پیامدهای ناگوار این به اصطلاح مردمی بودن و زیستن و مردن کریم خان می‌رسیم. امنیت و آرامش و رفاه و آسایشی که برای دوره آخر کریم خان افتخاری شده است، زمانی می‌توانست به عنوان یک اندیشه ارزشمند ثبت و پایدار شود که برای فردایش نیز برنامه می‌داشت، حال آنکه آن نیم‌روز باقی مانده پس از مرگ کریم خان نیز رنگ خون گرفت.

### ۳. تأملی بردستاوردهای مثبت حاکمیت کریم خان در شیراز

مرحله آخر حاکمیت سیاسی کریم خان، به دوران امنیت و آرامش در شیراز یاد شده است (نیبور، ۱۳۶۶: ۲۰۷) اگرچه کوتاه بود و در این مدت کم تنها اقدامات زودبازده جواب می‌دهد و نیز با وجود آنکه درگیری‌ها و شورش‌های مهمی در برخی نواحی کشور اتفاق افتاد، اما چنان بود که کریم خان را چهره‌ای محبوب و مردمی و مورد تکریم و احترام برای مردم آن زمان و زمان‌های بعد معرفی نماید (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۱). اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، این است که عموم گزارش‌های رسیده در مورد اقدامات کریم خان و نتایج زودبازده آن و رضایت‌مندی مردم براساس آن چیزی است که در شیراز اتفاق افتاد (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۹۹)؛

تجارت آنها در خلیج فارس داد (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۱۹). این امتیاز در مورد کشیشان و جمعیت‌های مذهبی نیز صادق است. گزارش کار ملیت‌ها در این زمان می‌نویسد کشیش دومینیکن «دی برنا دیس» به‌عنوان قائم مقام اسقف اصفهان از جلفا در ۱۱۸۳ق / ۱۷۶۹م گزارش داد:

ما در امور مذهبی آرامش داریم و کریم‌خان ورود به ایران را برای بازرگانان آزاد کرده و به دنبال همه مردم پراکنده جلفا فرستاده و به آنها وعده‌های فراوان داده است. بنابراین امید می‌رود که بعضی خانواده‌های کاتولیک نیز بازگردند و تعداد پیروان مسیح بیشتر شود (ارباب، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

که حاصل این اقدام، رونق قابل توجه تجارت بود. اما کوتاهی عمر حکومت جانشینان کریم‌خان و درگیری‌های پیوسته بین آنها و دیگر مدعیان، این فرصت را بار دیگر از ایران گرفت.

ارزیابی اقدامات فرهنگی کریم‌خان نیز در خور توجه است. بزرگ‌ترین اقدام فرهنگی کریم‌خان، توجه مجدد او به احیای مذهب تشیع بود. او بدون آنکه هاله‌ای از تقدس دینی به خود بگیرد، نسب‌سازی نماید و استفاده ابزاری از دین بکند، مذهب شیعه را از فشارهای دهه‌های قبل که متأثر از تعصب افغان‌ها و یا سیاست‌های نادر بود، نجات داد. تلاش او در راستای تحکیم امنیت اجتماعی موجب شد تا جایگاه دین و به‌ویژه مذهب شیعه استحکامی پیدا نماید که اثرات دیرپای آن در دوره‌های بعد قابل ملاحظه است. از نتایج این عملکرد، رهایی جامعه از تعصب‌های مذهبی پیشین و فراهم شدن زمینه برای حاکمیت «شیعی متعادل» بود. حمایت از علما و احترامی که برای علمای شیعه قائل بود، به اضافه تلاشی که برای شکستن

اما با مرگ کریم‌خان، همین مقدار کم نیز از بین رفت. آقا محمدخان قاجار حتی از درب و پنجره‌ها و تزئینات بناهای ایجاد شده در این شهر در زمان کریم‌خان نیز چشم‌پوشی نکرد و دستور کردند و انتقال آنها را داد (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۷۶).

پرهیز از لشکرکشی‌های عظیم و شاهانه و تلاش برای به‌دست آوردن دوباره اطاعت حاکمان در مناطق مختلف و سیاست نگه‌داشتن بستگان حاکمان محلی در شیراز به عنوان تضمین تعهد حاکمان (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۷۴۲؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۴۶) و همچنین انتقال و کوچ اجباری ایلات گردنکش توسط کریم‌خان (گلستانه، ۲۵۳۶: ۳۴۲)، صرف نظر از آسیب‌هایش (هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۰۱) نامنی و آشوب را هرچند به‌طور مقطعی و موقت در مناطقی از بین برد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۹: ۲ / ۵۳۲-۵۳۴). این عملکرد خان موجب بهبود نسبی امنیت راه‌های بین شهری در بخش اعظم کشور شد (هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۰۹، ۲۱۰)؛ امنیتی که ضروری‌ترین اصل برای فعالیت‌های تجاری و بازرگانی بود. مناطق تحت قدرت کریم‌خان، آرام‌ترین مناطق ایران محسوب می‌شد. کریم‌خان با پرهیز از خونریزی و با داشتن روحیه ترحم و مدارا تلاش زیادی کرد تا نظر تجار را به خود جلب نماید تا شاید بتواند تجارت متوقف شده را دوباره رواج دهد؛ ایرانیانی را که به دلیل ناامنی‌ها و ظلم و ستم و آشوب‌های سابق و به تعداد زیاد به دیگر کشورها پناه برده بودند (نیبور، ۱۳۵۴: ۴۱) به کشور بازگرداند. او علاوه بر دعوت از بازرگانان، برای بازگشت به کشور و دادن امتیازاتی به آنها، به ویژه ارامنه (نیبور، ۱۳۵۴: ۲۰۸، ۲۰۹)، امتیازاتی را به شرکت‌های تجاری اروپایی به‌ویژه انگلیسی‌ها داد که یک نمونه آن امتیازی بود که به انگلیسی‌ها برای ایجاد کارخانه‌ای در بوشهر و نیز

#### ۴. ارزیابی جریان‌های اجتماعی و مسائل اقتصادی تأثیرگذار بر حاکمیت کریم‌خان زند

با اذعان بر تمام مسائل و مشکلات موجود در نیم قرن بعد از مرگ نادر تا مرگ آقا محمدخان، از ذکر یک نکته نیز نباید گذشت و آن، نقش نوشته‌های قاجاری است در سیاه‌نمایی ایران قبل از تشکیل دولت قاجاریه است. در این شرایط، اگرچه چهارده سال پایانی عمر سیاسی کریم‌خان نمی‌بود که در آن صورت روز بدون حادثه و تاریخ بدون بحران برای ایران در آن روزگار را نمی‌توان تصور داشت. با عنایت به این پیش فرض‌ها می‌توان دوره زندیه را دوره‌ای ویژه در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در نظر گرفت. دوره‌ای که از آن با عنوان «زمینه باروری» یاد شده است (حامد الگار، به نقل از پری، ۱۳۶۵: ۱۴ دیپاچه مؤلف) و دوره‌ای که نمای کلی وقایع و حوادث داخلی ایران مناسبت و سنخیتی با حدود زمانی خود یعنی نیمه دوم قرن دوازدهم هجری قمری / نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی، در تاریخ ایران ندارد. به همین جهت ارزیابی تفکیکی این دو مؤلفه (حیات اجتماعی و اوضاع اقتصادی) تاریخ ایران این دوره با تکیه بر حوادث قبل و بعد خود قابل انجام است.

#### ۵. ارزیابی جریان‌های تأثیرگذار اجتماعی بر حاکمیت کریم‌خان زند

با نگاهی به حوادث و وقایع دوره مورد نظر و با بررسی منابع این دوره و اوایل دوره قاجاریه، چنین به نظر می‌رسد که جامعه ایران آن زمان ضربات سنگینی را بر حیات خود تحمل کرد و یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ اجتماعی خود را پشت سر گذاشت. جریان‌های اجتماعی تأثیرگذار بر حکومت کریم‌خان را

فضای اختلافات و درگیری‌ها که بخشی از آنها با توسل به انگیزه‌های مذهبی صورت گرفته بود موجب شد تا روحانیت شیعه بار دیگر به جایگاه خود در جامعه دست یابد، با این تفاوت که از حمایت و همراهی نمودن الزامی و اجباری از دستگاه حاکمیت نیز فاصله گرفت و به سمت استقلال پیش رفت. به معنای دیگر، نهاد مذهبی دیگر رابطه گسترده و مؤثری با نهاد سیاسی آغاز نکرد و رابطه سنتی مبتنی بر تعامل نهاد مذهب با نهاد سیاست دوام نیاورد (رنجبر، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۹). شاخصه مهم جایگاه روحانیت شیعه در این دوره، تقویت موضع نهضت اصولی حوزه‌های دینی در مقابل مکتب اخباری‌گری بود و در این مسیر، با بازگشت و مراجعه علمای ایرانی ساکن عتبات (کرباسی‌زاده، ۱۳۸۱: ۸۱-۸۳)، نهاد روحانیت با نگرش جدید از استحکام بیشتری برخوردار شد؛ به گونه‌ای که از آن پس، «وفاداری مذهبی دیگر مترادف وفاداری به تاج و تخت نبود و آیین تشیع به عنوان یک نیروی سامان یافته شناخته می‌شد» (فوران، ۱۳۸۰: ۱۶۸). وجود شخصیت علامه بهبهانی خود شاخص غلبه نظرات اصولی بر مکتب اخباری‌گری است.

در نهایت می‌توان دوران حکومت زندیه، به ویژه شخص کریم‌خان، را با وجود کوتاهی زمانش به عنوان دوره‌ای که نقش محلل را بین دو دوره بزرگ از تاریخ ایران - دوره حکومت صفویه و سلطنت قاجاریه - بازی کرد، در نظر گرفت. اگرچه در این دوره واقعه مهم و مشخصی که شاخص یک جریان بزرگ تاریخی باشد، موجود نیست و حتی وقایع یکنواخت و کوچک و کم اهمیت به نظر می‌رسند اما دوره کوتاه کریم‌خان، التیام لازم و ضروری این دو دوره مهم از تاریخ ایران بود.

(۱۳۸۱: ۱۱۱)، خودداری از لشگرکشی‌های عریض و طویل، مدارا و سازش با حاکمان و مأمورانی که حتی تخلف و تمرد داشته‌اند به منظور جلوگیری از گسترده شدن بحران شورش، همگی حکایت از تلاش او برای بازگرداندن امنیت اجتماعی و حفظ آن می‌نماید (همان: ۸۷، ۹۵، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۹ و صفحات متعدد). اما به دلایلی، این امنیت ایجاد شده، کوتاه مدت و مقطعی و منطقه‌ای و مهم‌تر از همه، قائم به شخص کریم‌خان بود. به گونه‌ای که با مرگ او، تقریباً تمام تلاش‌ها و اقدام‌های او رها شد و نتیجه‌ای ثابت و پایدار و اثرگذار به همراه نداشت. از جمله دلایل می‌توان به این موارد اشاره کرد: محقق نشدن حکومت متمرکز و قدرتمند، جدایی و استقلال حاکمیت بخش‌هایی از ایران و بی‌توجهی کریم‌خان به امور آن مناطق، ناتوانی در رفع حتمی و قطعی اعراب مشکل‌آفرین در خوزستان به ویژه در جزایر و حاشیه‌های جنوبی و شمالی خلیج فارس و فراهم بودن انگیزه طرح دعوی حکومت توسط حاکمان مناطق مختلفی از کشور با تاسی از شخص کریم‌خان که بدون پیشینه اعتباری قوی توانسته بود به قدرت برسد و مسائلی از این دست، از دلایل اصلی کاهش چشمگیر جمعیت شهری و روستایی ایران در آن مقطع شد. مؤلفه‌های فوق عواملی نبودند که از چشم کشیشان و سیاحان خارجی نیز پنهان بماند. در گزارش اسقف کرنلیوس جوزف که مدتی در دوره کریم‌خان در اصفهان سکونت داشت و در اواخر حکومت کریم‌خان به بصره نقل مکان کرد در این باره می‌نویسد:

...کریم‌خان که او را بسیار قدرتمند نشان می‌دهند، به علت قوای کم و دشمنان بسیار در موقعیتی قرار ندارد که آنها را مطیع خود سازد... (گزارش کارملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

این کشیش هنگامی که در سال ۱۱۷۹ق/ ۱۷۶۵م به

براساس فراگیری و میزان تأثیری که در حوادث بعدی داشت، می‌توان به موارد زیر تقسیم کرد:

#### ۱. بحران مشروعیت حکومت

با وجود تمامی مسائل و مشکلاتی که جامعه ایران در قرن دوازدهم هجری/ هیجدهم میلادی به خود دیده بود، داشتن نشان و اعتباری که تضمین حکومت فرد حاکم را بنماید به عنوان وجه مشروعیت آنها یک ضرورت اساسی بود که جامعه از مدعیان قدرت مطالبه می‌کرد. گرایش دوباره به صفویته، حفظ صوری مقام شاهی در خاندان صفویته، نشانه پیروزی هر مدعی قدرت در مقابل رقیبان محسوب می‌شد (گلستانه، ۲۵۳۶: ۲۶۲). لذا کریم‌خان در روزگاری که دیگر هیچ نیازی به او نداشت هم از حذف او خودداری کرد. اما حتی با مرگ شاه نیز پا را از عنوان وکالت فراتر نگذاشت، هرچند دیگر جانشینی نیز برای شاه برنگزید. کریم‌خان تا آخرین لحظه عمر خود نیز نتوانست این چالش را به جهت صحیحی هدایت نماید. رها کردن جامعه بدون آنکه جانشینی برای خود تعیین کرده باشد را باید به عنوان شاخصه اصلی کریم‌خان در برابر بحران مشروعیت دید. او که خود نتوانسته بود تکلیف قطعی جامعه را در مقابل این مسئله روشن نماید، با مرگ خود، باردیگر آتشی بحران مشروعیت را دوباره برافروخت. بحران مشروعیت اصلی ترین دلیل زد و خوردها و نابسامانی‌های بعد از مرگ کریم‌خان محسوب می‌شود.

#### ۲. کاهش شدید جمعیت ایران

کریم‌خان تلاش گسترده و متنوعی را برای بازگرداندن امنیت اجتماعی صورت داد. سخت‌گیری در نوع مجازات‌ها برای مرتکبین به یکی از جرایمی که نقض امنیت اجتماعی کند (گزارش کارملیت‌ها از ایران،

در بخش‌های مختلف اقتصادی و توانمند در عرصه علم و هنر) و مادی به خارج از کشور و ایجاد پایگاه‌های جدید تجاری در خارج از مرزهای ایران و در رقابت با پایگاه‌های تجاری قدیمی در ایران که مهم‌ترین نمونه آن موقعیت جدید بصره بود.

کاهش شدید جمعیت در این دوره آنچنان محسوس بود که نظر سیاحان اروپایی را به خود جلب کرده است. قم با جمعیت سیصدنفر در آخرین سال حکومت لطفعلی‌خان زند (رجبی، ۱۳۵۲: ۲۷۲)، آمل با هشتصد نفر در اوّلین سال بعد از مرگ کریم‌خان (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ ۵۰۲) و خارک با کاهش محسوس جمعیت (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۹۳) نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد میزان کاهش جمعیت تا چه اندازه بوده است.

کریم‌خان با وقوف بر بحران کاهش شدید جمعیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، تلاش گسترده‌ای را جهت بازگرداندن مهاجرین و در واقع احیای حیات اجتماعی ایران نمود اما با وجود بازگشت جمعی از مهاجرین به ایران، همچنان در این اقدام اجتماعی‌اش ناکام ماند. در سال بعد ۱۷۶۳م/ ۱۱۷۸ق همان اسقف کرنیوس مجدداً گزارش داد:

برخلاف طبیعت صلح‌جویانه کریم‌خان به دلیل وجود جنگ‌ها و توطئه‌ها بر ضد کریم‌خان، امور در چنان وضع بحرانی بود، که حتی یک نفر از مبلغین کاتولیک و یا یک بازرگان ارمنی علی‌رغم دعوت‌های مکرر و وعده‌های اغواکننده کریم‌خان به ایران مراجعت نکرده است. زیرا همگی آشوب‌های تازه‌ای را پیش‌بینی می‌کنند (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

در بررسی علل این ناکامی می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

- ضعف اندیشه سیاسی و محدودیت حوزه حاکمیت کریم‌خان که موجب تردید و ترس از آینده‌ای مبهم

بوشهر رسید، طی نامه‌ای با اشاره به اوضاع ایران و ایالاتی که تحت اداره کریم‌خان بود، از همکاران خود خواست با توجه به وضع مادی و معنوی ایران «قضاوت کنند که آیا در اوضاع کنونی برای وی عاقلانه، مفید و امکان‌پذیر است که در اصفهان مقیم شود یا در اسقف‌نشین منطقه دیگری که برای افراد تحت مراقبت وی سود بیشتری در برداشته باشد» (همان). وی سپس ایالات دیگر ایران و وضعیت آن را تشریح می‌کند، خراسان در دست شاهرخ نوه نادرشاه، قندهار در دست احمد شاه، تاتارهای ازبک مستقل‌اند، سرزمین لار که از کرمان تا بندرعباس امتداد داشت تحت فرمان زکریاخان، ایالات سند، هرمز، مسقط، گرجستان بلوچستان مستقل، بوشهر و بنادر خلیج فارس در دست اعراب محلی، این در حالی بود که کریم‌خان تنها شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، همدان، آذربایجان، گیلان، شوشتر و بخشی از ارمنستان را متصرف شده بود. کشیش مزبور نوشت در همین قسمت‌ها هم که متعلق به کریم‌خان است راهزنان، و رؤسای کوچک و مستبدانی یافت می‌شوند (همان: ۱۰۹-۱۱۰).

از پیامدهای نامطلوب کاهش جمعیت در دوره زندیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی به دلیل رها کردن روستا و مهاجرت از آنجا (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۶۷).

- کاهش نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه تجارت و صنعت به گونه‌ای که با وجود بازگشت نسبی برخی از بازرگانان مهاجر به کشور در دوره کریم‌خان و احیای دوباره روحیه تاجری در بین مردم، اما مقطعی و زودگذر بود.

- ناامنی در روستاها و به ویژه شهرها و آن بخش از محلات شهری که با مهاجرت بیشتری روبرو بودند.

- انتقال سرمایه‌های معنوی (انسان‌های کارآزموده



اجتماعی ایران تأثیر داشت، در حیات اقتصادی ایران نیز تاثیر گذاشت (Pery, 1975: 53). بسیاری از آنچه به بخش اقتصاد آسیب رساند، متأثر از شرایط بحران اجتماعی بود و برخی دیگر ریشه در گذشته داشت. نکته پژوهشی قابل طرح در این قسمت، ارزیابی و تحلیل این نظر است که در اکثر منابع دوره زندگی، ایران دوره کریم‌خان به دوره امنیت، آرامش، آسایش و رفاه یاد شده است. اما تضاد این مسئله با طرح برخی مسائل اقتصادی این دوره بهتر قابل درک خواهد بود:

همان‌گونه که پیش از این آمد، حاصل تلاش و رفتار کریم‌خان با رعایای خود در روابط اجتماعی موجب شد تا نظام اقتصادی کشور از تحرکی چشمگیر برخوردار شود، بازرگانی و صنعت و کشاورزی احیا شود و بار دیگر شاهد تولید کالاهای تخصصی هر منطقه و ناحیه هستیم. فعالیت‌های تجاری خارجیان و تاجران مهاجر ایرانی با بازگشت به کشور رونقی گرفت و مهم‌تر این که نظام هماهنگ دریافت مالیات در این دوره، ضمن رونق دادن به خزانه دولت، هیچ‌گاه موجب اجحاف بر مردم نشد. با تصدیق این موارد، این تحلیل و نقد تاریخی ضروریست که نباید در تحلیل مباحث اقتصادی آن دوره به بی‌راهه رفت و گزافه‌گویی کرد و واقعیت‌های دیگری را نادیده گرفت. آنچه اتفاق افتاد از آن به نام رونق و توسعه نظام اقتصادی ایران دوره کریم‌خان یاد می‌شود، با ویژگی‌های زیر، به شکل صحیح‌تری تحلیل می‌شود:

- این رونق نسبی بود، نسبت به زمان قبل از خود به‌ویژه از نیمه دوم پادشاهی نادر تا آغاز استقرار کریم‌خان در شیراز و نیز نسبت به دوره جانشینان کریم‌خان.

- مدت این دوره کوتاه و موفقیت این دوره، مرهون وجود کریم‌خان بود.

برای مهاجرین شد. گویا تصور روزگار آشوب و ناامنی و بازگشت وضع آشفته سابق بعد از مرگ کریم‌خان برای مهاجرین یک مسئله حتمی و قطعی به نظر می‌رسید (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

- نبود ثبات امنیت یکسان در تمامی مناطق و نواحی ایران. زیرا از یک‌سو بخش‌هایی از ایران گذشته در وضعیت موجود تحت اداره و اختیار کریم‌خان نبود و از سوی دیگر در مناطق تحت نفوذ او نیز قانون بحران‌زای محلی متعددی - همچون اعراب در جنوب، ایلات در غرب و مدعیانی در کرمان و یزد - مشاهده می‌شد.

- تعطیلی مراکز تجاری کمپانی‌های خارجی در شهرهای داخلی ایران و انتقال مراکز تجاری جنوبی ایران به بصره. بنا به گزارش کار ملیت‌ها در سال ۱۸۳۱ق / ۱۷۶۹م انگلیسی‌ها، پایگاه تجاری خود را از بوشهر به بصره انتقال دادند و لذا معدود کشیشان و اسقف‌های اصفهان و بوشهر از جمله اسقف اصفهان و کشیش آنتونی ماریان (از بوشهر) به بصره رفتند. این اساساً آخرین تشکیلات کار ملیتی بود که در ایران طی آن قرن فعالیت می‌کرد (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۱۱۹). به این ترتیب ناکامی کریم‌خان در بازگرداندن این موقعیت از دست رفته به‌طور تمام و کمال را می‌توان در منابع به وضوح دریافت (برای اطلاع بیشتر درباره موارد فوق، نک: شهاوری شیرازی، ۱۳۶۵: ۴۲، ۴۵؛ کلاتر، ۱۳۶۲: ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۹۲؛ فسایی، بی‌تا: ۲۰۶، ۲۰۷؛ ۲۲۳؛ موسوی‌نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۴۳، ۳۱۴).

## ۶. ارزیابی مسایل اقتصادی تاثیرگذار بر حاکمیت کریم‌خان زند

بحران‌های دوره پنجاه ساله بین مرگ نادر تا تأسیس دولت قاجاریه، به همان میزان که در گسست حیات

۱. نبود امنیت اقتصادی برای فعالیت‌های تجاری و بازرگانی

مهم‌ترین بحران اقتصادی دوره زندگی را باید در کاهش شدید امنیت اقتصادی دید. این بحران به دلایل زیر در این دوره تشدید شد:

- درگیری‌های پانزده ساله بین مدعیان قدرت که موجب تأخیر در تقویت قدرت متمرکز و دولت مرکزی می‌شد که نتیجه آن بی‌توجهی به امنیت اقتصاد داخلی و خارجی بود.
- تداوم شورش‌های محلی، به‌ویژه در مناطقی که اروپاییان از سال‌های قبل دارای دفتر و مرکز بودند.
- محدودیت امکانات و تسلیحات مورد نیاز برای سرکوب اعراب شورشی در خلیج فارس و سواحل جنوبی آن و خودداری اروپاییان، به‌ویژه انگلیسی‌ها از کمک‌رسانی به ایران برای رفع این مشکل.
- براساس آنچه در بررسی حوادث دوره زندگی بیان شد، این دوره با بیش از پنجاه لشکرکشی بزرگ و کوچک و ناتوانی در تأمین امنیت راه‌ها و مال‌ها به‌عنوان یکی از دوره‌های سخت و شکننده در تاریخ ایران شناخته می‌شود. حاصل این وضعیت، مهاجرت ایرانیان تاجرپیشه به خارج از کشور، تعطیلی مراکز تجاری اروپاییان در شهرهای داخلی ایران، انتقال پایگاه تجاری اروپاییان از بنادر ایرانی به‌ویژه بندر عباس به بصره در خاک عثمانی، خروج هلندی‌ها از گردونه تجاری خلیج فارس و در نهایت کاهش انگیزه و رغبت اروپاییان در روابط تجاری با ایران بعد از مرگ کریم‌خان بود (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۹).
- جدا بودن منطقه خراسان بزرگ از حیطه قدرت و قلمرو حکومت کریم‌خان و جانشینانش، به هر دلیلی که بوده باشد، آنها را از بخش مهمی از درآمد خود محروم کرد. زیرا، خراسان سرزمینی بود که تجارت و

- عمده این بهبودی را در شیراز و اطراف آن باید دید نه در ولایات و ایالات دیگر (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۵۶، ۶۲-۶۳، ۱۰۹).

- رونق اقتصادی این دوره در حکم یک پروسه بود؛ کوتاه مدت و بدون اصول اساسی با پشتوانه و اندیشه‌ای استوار و عمدتاً از روی رفع نیاز روز و هیچ‌گاه نتوانست خود را به عنوان یک پروژه یا جریان ریشه‌ای و با اصول در تاریخ اقتصادی ایران مطرح نماید. بنابراین در تحلیل کلی از فعالیت‌های اقتصادی کریم‌خان شاهد این واقعیت هستیم که برخلاف رونق نسبی داخلی که ایجاد شد، در عرصه اقتصاد جهانی نه تنها به موقعیت‌های پیشین خود دست نیافتیم، که همان موقعیت محدود را نیز تقریباً از دست دادیم. در بررسی چرایی این رکود اقتصادی در عرصه جهانی، از یک سو باید به علاقه‌مندی و در عین حال تردید کریم‌خان در روابط تجاری خارجی‌اش اشاره کرد و از سوی دیگر به کاهش شدید تولید ابریشم در ایران توجه نمود. همچنین این ناکامی را می‌توان در تغییر روش اقتصادی شرکت‌های اروپایی دانست. ما در این دوره با نوعی بی‌میلی و کاهش انگیزه برای شرکت‌های اروپایی در تجارت حوزه خلیج فارس روبه‌رو هستیم. البته در این امر نوع نگرش کریم‌خان به مناسبات با قدرت‌های خارجی تأثیر به‌سزایی داشت (هاشم‌زاده محمدیه، ۱۳۸۹: ۲/ ۷۰۸-۷۱۰). این مسئله علاوه بر دلایلی که ناشی از موقعیت سیاسی ایران بود، متأثر از تغییر محور تجاری اروپاییان از خلیج فارس به هندوستان و خاور دور نیز بود؛ لذا ضمن داشتن باور به بهبود وضع اقتصادی در زمان کریم‌خان، باید اذعان کرد که در دوران او مسائلی وجود داشت که نمی‌توان حتی این دوره را نیز دوره آرامش اقتصادی دانست. این مسائل عبارت‌اند از:

- سیل‌های بنیان‌کن و ویرانگر محصولات کشاورزی و زندگی مردم (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

نکته مهم در بررسی گزارش‌های مربوط به حوادث طبیعی این است که بعد از این بلاها، شاهد اجحاف‌های مالی شدید مأموران دولتی نیز هستیم، به گونه‌ای که کار مردم به اطاعت نکردن از فرمان‌های این مأمورین می‌کشید بدون آنکه از پیامدهایش ترسی به دل راه دهند (کلاتر، ۱۳۶۲: ۵۰). همچنین بخشی از این مشکلات به دلیل مسائل جنگی و تدابیر نظامی صورت می‌گرفت، بدون آنکه به آثار سوء آن توجه شود. اقدام کریم‌خان در تخریب سد و بندی که در ناحیه خوزستان و بر روی شط کرن - رودخانه جراحی - بسته شده بود، در جریان سرکوبی شیخ سلیمان رئیس طایفه بنی‌کعب نمونه‌ای از این دست مشکلات است (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۴؛ فسایی، بی‌تا: ۲۱۵). همین مسئله، با توجه به مشکلات بسیار زیادی که کنترل آب و سدبندی در ایران دارد، خسارت‌های بسیار زیادی را در بخش کشاورزی منطقه ایجاد کرد به گونه‌ای که به همین دلیل از این کار کریم‌خان به عنوان یک اقدام غیرعاقلانه یادشده و آن را از سیاه‌کاری‌های او شمرده‌اند (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۴۸). این مشکلات، ضمن آنکه خود برای مردم سختی‌آفرین بود، پیامدهای نامناسب دیگری همچون گرانی مواد اساسی و کاهش قیمت خانه و زمین را نیز به همراه داشت. در گزارشی از گرانی ناشی از قحطی در سال ۱۱۶۸ق/۱۷۵۶م در شیراز، به افزایش نرخ گندم اشاره شده است (فسایی، بی‌تا: ۲۱۰) و در گزارشی دیگر از کاهش شدید قیمت خانه و زمین در جلغا یاد شده، به گونه‌ای که قیمت یک منزل مسکونی، از سیصد تومان به سه تومان کاهش یافته بود (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۳۵).

اهمیت اقتصادی و طبیعی آن در همه ادوار تاریخی ایران نقش اساسی داشت.

## ۲. بلایای طبیعی

یکی از مشکلات مهم نظام‌های اقتصادی، به خصوص نظام مبتنی بر کشاورزی، را بلایای طبیعی تشکیل می‌دهند. بر این اساس، بلایای طبیعی در دوره مورد بحث ما یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار بود؛ زیرا به دلیل مشکلات سیاسی که شاخصه آنها وجود مدعیان متعدد قدرت، حکومت‌های کوتاه عمر و درگیری‌های مداوم بین رُقبا بود، اندیشه و فرصت پرداختن به این بلایا را ایجاد نمی‌کرد. در طول پنجاه سال بعد از مرگ نادر، تنها در دوره پایانی عمر سیاسی کریم‌خان است که شاهد برخی اقدامات و تمهیدات پیشگیری‌کننده و جبران‌کننده برای رفع این بلایا هستیم که مهم‌ترین آن احیای قنات‌ها و ساختن سیلوهای ذخیره‌سازی گندم برای استفاده در مواقع قحطی است (آصف، ۱۳۸۰: ۳۷۷). نمونه‌های بلایای طبیعی دوره مورد نظر که تنها گزارش محدودی از آنها باقی مانده، عبارت‌اند از:

- قحطی و خشکسالی (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۷۳۶؛ دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

- ملخ‌زدگی و آفت‌زدگی محصولات زراعی (آصف، ۱۳۸۰: ۳۷۷؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۵۵؛ فسایی، بی‌تا: ۲۳۶).

- خشکی قنات‌ها (نیبور، ۱۳۵۴: ۵۶، ۷۲).

- زلزله‌های شدید که در سال ۱۱۹۲ق در کاشان، اصفهان، قم و ری روی داد و میزان تلفات جانی تنها در کاشان به هشت‌هزار نفر رسید (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۷۳) و زلزله شدیدتری که در سال ۱۱۹۳ق در تبریز اتفاق افتاد و خسارات بسیار زیادی از جمله کشته‌شدن بالغ بر دویست‌هزار نفر را به همراه داشت (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۵۰۳؛ خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۸۳).

## ۳. تنوع مالیات

در دوره کریم‌خان مالیات، به عنوان یکی از زمینه‌های تعامل دولت و مردم شناخته می‌شد. در این دوره، مالیات‌ها نرخ منطقی داشت، نرخ تثبیت شده‌ای را در گزارش‌ها می‌بینیم، بدون آنکه به زور متوسل شوند و بدون اقدامات خشن معمول سنتی، مأموران مالیاتی نسبت به جمع‌آوری آن اقدام می‌کردند و مالیات دیگر به عنوان اهرم فشار بر مردم شناخته نمی‌شد. این ویژگی‌ها را در دوره حکومت کریم‌خان می‌توان دید، اگرچه در همین دوره نیز مواردی از نقض آن را شاهدیم. شورش تقی‌خان درانی در کرمان دقیقاً در راستای اعتراض به اجحاف‌های مالی صورت گرفت و شورش مردم شیراز در مقابل ندرخان، به دلیل زیاده‌ستانی‌های او بود (کلانتر، ۱۳۶۲: ۵۰). همچنین اعتراض مردم اصفهان به رهبری آقامحمد بیدآبادی علیه قوانین مالیاتی جدید و زیاده‌ستانی‌های حاجی آقامحمد رنانی [رهنایی]، حاکم اصفهان، نمونه دیگری از اجحاف‌های مالیاتی در دوره کریم‌خان است (دنبلی، ۱۳۴۹: ۲۷۲-۲۷۰).

کریم‌خان، به ویژه در دوره چهارده ساله پایانی عمر خود در شیراز، با علم بر وضعیت مردم، تلاش گسترده‌ای در جهت تثبیت نرخ مالیات و کاهش آن انجام داد. آنچه او به عنوان مالیات از مردم می‌گرفت، فقط کفایت مخارج دربار بسیار مختصر و ساده او را می‌کرد. او هرگز این سرمایه حاصله را از جریان اقتصادی خارج نکرد و به صورت انباشت طلا و پول نقد و زرق و برق دربار به کار نسبت (هدایتی، ۱۳۳۴: ۱/۸۲)، لذا در زمان مرگش مجموع آنچه در خزانه باقی ماند فقط هفت هزار تومان بود که سریع به اتمام رسید (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۱). کریم‌خان با محدود کردن حوزه مخارج دولت به لشکرآرایی، مرزبانی و پرهیز از

بسیاری از تعهدها، از جمله اختصاص وجهی برای طلبه علوم، در تخفیف میزان مالیات‌ها تلاش کرد (آصف، ۱۳۸۰: ۲۸۴)؛ به همین دلیل تجار شیرازی متفق‌القول بودند که «هیچ دوره‌ای از تاریخ مالیاتی که به شاه می‌دادند، به اندازه دوران سلطنت کریم‌خان ناچیز نبوده است» (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۰). هرچند که با وجود اقدامات گسترده عمرانی در شیراز، در بازسازی برخی از بناها در همان شیراز هم اقدامی نکرد (فروزانی، ۱۳۸۹: ۵۱۷/۲). ضرورت لشکرکشی‌ها موجب تعدد و تنوع مالیات‌ها به عنوان تأمین مخارج لشکرکشی می‌شد. در حقیقت، بار جنگ - که در این دوره تعداد زیاد بود - از نظر اقتصادی بر دوش مردم و به ویژه مردم سر راه و مناطق حوزه جنگ‌ها بود. لذا، با وجود آرامش و رفاه در برخی مناطق کشور، تشدید فشار مالیاتی در برخی نقاط دیگر وجود داشت (آصف، ۱۳۸۰: ۲۸۶-۲۹۶). این سخت‌گیری‌ها، یک پیامد دیگری که داشت، خروج سرمایه‌های اقتصادی موجود در دست مردم به جریان راکد و به دور از چرخه اقتصادخانه‌ها بود. این جنگ‌ها، علاوه بر مخارج معمول خود، با ریخت و پاش‌های دیگری هم همراه بود که بر وخامت اوضاع می‌افزود. موسوی نامی اصفهانی از پاداش و عیدی ویژه نظامیان در سال‌های ۱۱۶۸ق/ ۱۷۵۶م و ۱۱۷۰ق/ ۱۷۵۸م توسط کریم‌خان یاد می‌کند (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۷، ۵۸) که بی‌گمان موجب وضع قوانین مالیاتی خارج از عادت و عرف کریم‌خان می‌شد (پری، ۱۳۶۵: ۱۷۴). این بحران در زمان جانشینان او با شدت و آسیب‌رسانی بیشتری ادامه یافت.

۴. کاهش فعالیت‌های تجاری و بازرگانی داخلی و

## خارجی

در بررسی تاریخ اقتصادی ایران در قرن دوازدهم هجری/ هیجدهم میلادی، شاهد تداوم رکود اقتصادی و

حمایتی و هدایتی در بخش اقتصاد بازرگانی و تجاری ایران در دوره زند محسوب می‌شد. شیوه‌های نوین استعماری نوعی از سلطه اقتصادی را بر ایران به دست آوردند که مقدماتش از قبل فراهم شده بود.

نکته‌ای که اشاره به آن در پایان این بحث ضروری است، تأکید دوباره بر این نکته است که آنچه به عنوان اقدامات حمایتی و تأمینی کریم‌خان در احیاء بخش‌های مختلف اقتصادی کشور از آن نام برده شده، به ویژه تلاش برای بازگرداندن نیروهای فعال در بخش‌های اقتصادی که ترک وطن کرده بودند، تخفیف مالیات‌ها و عوارض راهداری برای تشویق فعالیت‌های تجاری و احیای کشاورزی و شبکه‌های آبیاری با تمام اعتبارش و با تمام آثار مثبتی که داشت، اولاً مقطعی و کوتاه مدت بود، ثانیاً قائم به شخص کریم‌خان بود، ثالثاً محدود به مناطقی خاص بود و رابعاً با تضادهایی در همان مقطع روبه‌رو بود که نمونه آن را گزارش‌های رسیده از برخی هزینه‌ها از جمله هزینه بازسازی و توسعه شهر شیراز می‌بینیم (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۶۰). این مسائل موجب شد تا ایران به نوعی از قطع رابطه و تماس با اروپایی کشیده شود که بنیان‌های نوین اقتصادی‌اش، جایگاه دیرین اقتصاد ایران را مورد تهاجم قرار داده بود.

بی‌شک دستور صریح کریم‌خان مبنی بر جلوگیری از انتقال طلا از کشور در قبال فروش اجناس در ایران توسط اروپاییان را باید آخرین حرکت اقتصادی ایران در عرصه بازرگانی جهانی و اینکه اروپا به عنوان عرصه خارجی بازرگانی ایران شناخته می‌شود، محسوب کرد. زیرا پس از آن، ایران هیچ‌گاه به موقعیت پیشین خود در اقتصاد جهانی دست نیافت.

نزول سطح زندگی مردم هستیم که از اواخر دوره صفویه شروع شده بود. اما آنچه بیشتر به بحرانی شدن این موضوع کمک می‌کرد، این بود که این رکود در ایران با تکامل و رونق اقتصادی در اروپای غربی هم‌زمان بود. تغییرات و تحولات اقتصادی اروپا که با تکامل نهادهای سیاسی در آن سرزمین همراه بود، موجب انباشت سرمایه، پیشرفت علم و تحول و دگرگونی در نظام سیاسی و اجتماعی اروپا شد. در حالی که در ایران ماهیت استبدادی حاکمیت تغییر نکرد و انتخاب عنوان «وکیل الدوله» و سپس «وکیل الرعایا» نیز برای کریم‌خان مانعی در راستای صدور دستورهای خلاف عدالت و رفتار کریمانه او نبود. ماه‌های پایانی عمر او با تغییر چشمگیر رفتاری او همراه شد. تنها نقطه مطمئنی که در آن شرایط می‌توانست از شدت بحران بکاهد، توسعه روابط تجاری و رونق فعالیت‌های بازرگانی در داخل و خارج بود که آنچه در این راستا صورت گرفت، به دلیل کوتاهی و تأثیر کم‌دوام و مشکلات جنبی نتوانست نقش خود را به خوبی ایفا کند.

عوارض متعدد بین راهی، امنیت محدود و شکننده جاده‌ها، نبود تمهیدات امنیتی و حمایتی (گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۵۱، ۶۹، ۸۴، ۱۰۵)، کاهش نوع محصولات به ویژه محصولاتی که در سبد بازرگانی خارجی ایران جایگاه بالایی داشتند، افزایش تمایلات گریز از مرکز اعراب سواحل خلیج فارس و دست‌اندازی به کشتی‌های تجاری، تغییر جهت و مسیر پایگاه‌های تجاری اروپاییان در آسیا از حوزه خلیج فارس به جنوب و شرق آسیا و بی‌ثباتی سیاست‌های رفتاری با تاجران و بازرگانان، به ویژه رفتار کلانترها با بازرگانان (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۵؛ Francklin, 1790: 23) از دلایل تأثیر کم اقدامات

۷. نتیجه

تنها رمز موفقیت کریم‌خان زند در طول چهارده سال پایانی عمرش و محبوبیت او برای نسل‌های بعد، دست‌کشیدن از لشکرکشی‌ها و حملات و جنگ‌های داخلی بود که آسیب جدی را به ارکان اجتماعی و اقتصادی ایران وارد کرده بود. غفلت او از پرداختن به مسائل ایران در مفهوم سیاسی آن روزگار و رها کردن گروه‌هایی همچون افغان‌ها در شرق، افشارها در خراسان، ارامنه و گرجی‌ها در آن سوی رود ارس، ازبک‌ها در شمال شرق و نیز تصمیم‌گیری‌های کند و پابین بودن حساسیت او نسبت به فعالیت‌های شورشیان عرب در سواحل جنوبی و جزایر خلیج فارس، مهر قطعی را بر جدایی بخش‌های ذکر شده در این زمان و دهه‌های بعد زد؛ به گونه‌ای که در مورد قدرت‌های محلی اعراب سواحل شمالی خلیج فارس در همان زمان، عنوان «دولت شهر» به کار برده شده است.

کریم‌خان هیچ‌گاه دولت مرکزی ایجاد نکرد تا اعتبار از دست‌رفته را باز یابد. لذا فعالیت‌های او تنها تسکین شرایط بحرانی قبلی بود، بدون آنکه برای آینده برنامه‌ای داشته باشد. کاهش محسوس و در مواقعی قطع روابط سیاسی و تجاری با اروپا در دهه اول حضور او در عرصه سیاسی ایران - با وجود بهبودهایی که بعدها حاصل شد - هیچ‌گاه به نفع ایران تمام نشد. امنیتی که او در راه‌های مناطقی از کشور ایجاد کرده بود، به دلیل ضعف اندیشه‌ای او نتوانست رونق را به اقتصاد کشور بازگرداند. حس بدبینی که او نسبت به اروپاییان داشت را زیرکی و فراست کریم‌خان نامیده‌اند، در حالی که در آن زمان اروپاییان و به‌ویژه آن دسته از آنها که خواهان روابط با ایران بودند، در حد و اندازه‌ای که برای آنها تصور می‌شد،

نبودند. ایران آن روز نباید در موضع انفعال قرار می‌گرفت، تا پس از دو دهه آشفتگی بعد از مرگ کریم‌خان، حکومتی بر مبنای اندیشه‌های سیاسی لازم و با اعتبار کافی در رأس کار قرار می‌گرفت. اما این یک خوش‌باوری و از «اگر»های تاریخ است. واقعیت آن بود که کریم‌خان که به لطف هواداری طایفه‌اش و در چند نوبت، با نوعی اقبال بلند از آسیب‌ها رهایی یافته بود، بر مسند حکومت نشست در حالی که تکلیف جامعه را نه در زمان خود و نه برای بعد خود روشن نکرد.

جمله آخر آنکه در چنین شرایطی که اوضاع اجتماعی کشور به دلیل ضعف اندیشه‌ای، به شدت آشفته است، اوضاع اقتصادی مردم و نظام اقتصادی کشور نیز آخرین ضربان‌های حیات خود را در حال گذراندن است. از لحاظ بین‌المللی نیز ایران در حالی پا به عرصه جدید سیاست جهانی در قرن نوزدهم گذاشت که همه شرایط را برای تأمین اهداف و منافع دولت‌های اروپایی با خود به همراه داشت.

## منابع

- آصف، محمدهاشم رستم‌الحکما (۱۳۸۰). *رستم‌التواریخ*. به اهتمام عزیزالله علیزاده. تهران: فردوسی.
- امداد، حسن (۱۳۸۹). «شیراز در عهد کریم‌خان». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی‌اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۱۵-۳۳.
- امین‌فر، حسین (۱۳۸۹). «شاه اسماعیل سوم و مشروعیت کریم‌خان زند». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی‌اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۱۰۹-۱۲۰.
- الاصفهانى، محمدمهدى بن محمدرضا (۱۳۶۸). *نصف جهان فی تعریف اصفهان*. تصحیح منوچهر ستوده.

- تهران: امیرکبیر.
- اولیویه، جی. بی (۱۳۷۱). سفرنامه. ترجمه محمدطاهر میرزا. تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات.
- براقی، فضل‌الله (۱۳۸۹). «جزیره خارک در میان قدرت‌ها و کمپانی‌های محلی». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۱۶۵-۱۴۷.
- پری، جان (۱۳۶۵). کریم‌خان زند (تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۹-۱۷۴۷). ترجمه علی محمد ساکی. تهران: فراز نشر نو.
- دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹). تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه لئون. گ. میناسیان و م. ع. موسوی فریدنی. اصفهان: نشر زنده‌رود.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ مفتون (۱۳۴۹). تجربه الاحرار و تسلیه الابرار. تصحیح و تحشیه حسن قاضی طباطبایی. بخش نخست. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- رجبی، پرویز (۱۳۵۲). کریم‌خان زند و زمان او. تهران: کتابفروشی سیم‌رغ.
- روستا، جمشید (۱۳۸۹). «تسلط کم‌دوام کریم‌خان زند بر بصره». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۴۰۹-۳۹۵.
- رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۷). «سیاست مذهبی دوره زندیه». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۹۹-۹۸.
- رنجبر، محمدعلی - وصفی‌پور، علی اکبر (۱۳۸۹). مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. دوجلد. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- شهاوری شیرازی، عبدالکریم بن علی رضا (۱۳۶۵). تاریخ زندیه (جانشینان کریم‌خان زند). مقدمه و تصحیح ارنست بیئر. ترجمه غلامرضا ورهرام. تهران: گستره.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). گلشن مراد. به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: زرین.
- فرامرزی، احمد (۱۳۴۶). کریم‌خان زند و خلیج فارس. به کوشش حسن فرامرزی. تهران: [بی‌نا].
- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). مشاهدات سفر از بنگال به ایران. ترجمه محسن جاویدان. تهران: بنیاد فرهنگ و هنر ایران.
- فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «کریم‌خان زند و خیابان چهار باغ شیراز». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۵۲۲-۵۰۱.
- فسائی، حاج میرزا حسن حسینی [بی‌تا]. فارسنامه ناصری. [بی‌جا]. کتابخانه سنایی.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان. ترجمه ابوالقاسم سرّی. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۸۰). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب). ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۹). «ملاحظات درباره ساختار دولت و شیوه حکومتی کریم‌خان زند». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. ص ۵۳۷-۵۲۳.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). تاریخ پانصدساله خوزستان. تهران: نشر خواجه.
- کلانتر، محمدبن ابوالقاسم (۱۳۶۲). روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس (شامل وقایع قسمت‌های جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ق). به اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابخانه طهوری.
- گزارش کار ملیت‌ها از ایران (دوران افشاریه و زندیه) (۱۳۸۱). ترجمه معصومه ارباب. تهران: نشر نی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین (۲۵۳۶). مجمل التواریخ (شامل وقایع و رویدادهای سی و پنج ساله بعد از نادر

نیپور، کارستن (۱۳۶۶). *سفرنامه*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: توکا.

هاشم‌زاده محمدیه، عباس (۱۳۸۹). «سیاست زنده در برابر کمپانی هند شرقی انگلیس». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زنده. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس شناسی. ص ۷۰۱-۷۱۹.

هدایتی، هادی (۱۳۳۴): *تاریخ زنده*. تهران: دانشگاه تهران.

Francklin, William (1790). *Observations made on a tour from Bengal to Persia in the years 1786- 87*. London.

Pery, J.R (1975). *Forced Migration in Iran during the seventh and eighteenth centuris*. Iranian studies. VIII. No.4.

شاه) و ذیل زین‌العابدین کوهمره (ملقب به امیر) در تاریخ زنده. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

مرادی خلیج، محمد مهدی (۱۳۸۹). «میرمهنای و نقش وی در تعرضات و تعاملات دولت‌های منطقه و قدرت‌های بیگانه». مجموعه مقالات کنگره بزرگ زنده. به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور. شیراز: بنیاد فارس شناسی. ص ۶۱۷-۶۳۷.

مورگان، دیوید (۱۳۷۳). *ایران در قرون وسطی*. ترجمه عباس منخبر. تهران: طرح نو.

موسوی نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۸). *تاریخ گیتی‌گشا (در تاریخ خاندان زند)*. تهران: امیرکبیر.

